



بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر مقام معظم رهبری بخش اول

محمد ابراهیم ساور سفلی*

اشاره

بررسی دیدگاهها و نقطه نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی برای حوزه‌های علمیه و روحانیت که بسیاری از آنها جنبه راهبردی داشته و برای ایجاد تحول در حوزه و رشد علمی، پژوهشی و معنوی روحانیت بسیار سودمند و راهگشا است، امروز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

مقام معظم رهبری هر بار در سفرهای خود به استانهای مختلف کشور به‌ویژه قم و مشهد، افقهای جدیدی پیش‌روی حوزویان گشوده و با بیانات و رهنمودهای خود نقشه راه حوزویان را فرا روی آنها قرار می‌دهند.

معظم‌له در دیدار با علما، طلاب، فضلا و مراجع عظام، بیشتر بخشهای محتوایی، مسائل مدیریتی، ساختاری، چارچوبهای کلی، اقدام در راستای حضور علمی جدی در صحنه جهانی، رسالت حوزه نسبت به جهان و نیازهای روز را مورد عنایت و توجه قرار می‌دهند که این رهنمودهای روشنگرانه،

* کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

مشخص‌کننده راهبردهای اساسی رشد حوزه‌های علمیه است. جامعیت نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه‌های مختلف دانش، نقش راهبری ایشان در جهان اسلام، دقت نظر در حوزه آینده‌نگری و آینده‌نگاری، اهتمام به تحول، روزآمدی، تأکید جدی و مجدانه بر استقلال حوزه‌های علمیه، اهتمام حوزه به بررسی و تحلیل سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور، گویای افکار بلند و اشراف کامل ایشان بر مسائل حوزه است. آرمانهای رهبر معظم انقلاب در طرح سیاستهای راهبردی برای آینده حوزه، پرورش شخصیت‌هایی همچون امام راحل و شهیدان مطهری و بهشتی است.

اینک با مروری بر سخنان گرانسنگ معظم‌له در طی ۱۵ سال گذشته که در جمع طلاب و روحانیون شیعه و یا بعضاً در جمع مشترک روحانیون شیعه و سنی مطرح گردیده است، نکات محوری و مهم آنرا متذکر می‌شویم تا مورد بهره‌برداری بیشتر مدیران و برنامه‌ریزان حوزه‌ها و مدارس علوم دینی قرار گیرد. نکته قابل ذکر قبل از ورود به بحث این است که مخاطب این بیانات و رهنمودها گرچه غالباً حوزه‌ها و روحانیت شیعه بوده است، اما برای مدیران مدارس علوم دینی و روحانیت و علمای اهل سنت نیز بسیار مفید و راهگشا خواهد بود، زیرا رهنمودهای معظم‌له از جنس مسایل کلی و راهبردی برای حوزه‌های دینی جهان اسلام به‌شمار می‌رود.

محورهای کلی بایسته‌های حوزه و روحانیت

حوزه‌های علمیه از دیر باز تاکنون منبع صدور معارف اسلام ناب محمدی و میراث جهاد پاکبازانه‌ی عالمان است، از آنجایی که اسلام دینی برای تمامی ابعاد حیات مادی و معنوی بشر می‌باشد، رسالت روحانیون به تبع عالم بودن در دین اسلام، همه‌جانبه و گسترده و در راستای استمرار همان رسالت انبیاء و اولیای الهی است که به ملت و منطقه‌ی جغرافیایی خاصی منحصر نیست، بلکه تمامی جوامع و امت اسلامی را شامل می‌گردد. این محورها عبارتند از:

- ۱- تبیین مفاهیم اسلامی و دفاع از دین اسلام
- ۲- ورود به مسائل سیاسی و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی
- ۳- مواجهه با شبهات و مبارزه با خرافات
- ۴- توجه به اخلاق و تهذیب نفس در حوزه‌ها
- ۵- تقویت علمی و حضور در صحنه‌های فلسفی، فقهی و کلامی دنیا

- ۶- ایجاد تحول همه جانبه در حوزه‌ها
 - ۷- سیاست‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز برای حوزه
 - ۸- تقویت اجتهاد در همه رشته‌ها
 - ۹- تشکیل کرسیهای آزاداندیشی
 - ۱۰- آینده‌نگری برای حوزه‌های علمیه
 - ۱۱- طرد افراطیها و تکفیریها از سوی علمای شیعه و سنی
 - ۱۲- گفتمان‌سازی در تبلیغ
 - ۱۳- حضور فعال و مؤثر در مساجد
 - ۱۴- حفظ قداست روحانیت
 - ۱۶- ضرورت زمان‌شناسی علما و روحانیت شیعه و سنی
 - ۱۷- صمیمیت و مردمی بودن روحانیت
- اینک به تبیین هریک از محورهای می‌پردازیم:
- ۱) ورود به مسائل سیاسی و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی رهبر معظم انقلاب از حوزه و روحانیت انتظار دارند، در همه صحنه‌های سیاسی حضور مثبت و فعال داشته باشند، لذا می‌فرمایند:

«یکی از چیزهایی که برای ما خیلی مهم است، مسئله‌ی «ارتباط با سیاست» است ... باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناحهای سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. ... باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشستن، سرخود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش‌آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه‌ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر

خسارت وارد می‌کند. بنابراین، یک وظیفه‌ی مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است» (بیانات در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

معظم‌له در فراز دیگر دور شدن حوزه از سیاست را موجب انزوای حوزه دانسته و می‌فرماید: «حاشیه‌نشین شدن حوزه‌ی علمیه‌ی قم و هر حوزه‌ی علمیه‌ی دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریان‌ات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، بتدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد» (بیانات در جمع روحانیون شیعه و سنی خراسان شمالی، ۹۱/۷/۱۹).

از آنجا که حوزه‌های علمیه و روحانیت به‌عنوان علت محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی بشمار می‌روند، باید برای حفظ نظام از آن دفاع و پشتیبانی نمایند، لذا دور شدن از صف مدافعان نظام از هیچ‌کس پذیرفته نیست، ضمن اینکه امکانات و فرصتهایی که نظام برای روحانیت جهت تبلیغ معارف اسلام قرار داد در هیچ مقطعی از تاریخ وجود نداشت. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمی‌تواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار می‌کند، بی‌تفاوت باشد؛ نمیتواند خود را بیگانه به حساب بیاورد....

حوزه‌ی علمیه‌ی قم مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده‌ی خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او بی‌تفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

معظم‌له ضمن بر شمردن امکانات و فرصتهایی که نظام اسلامی در اختیار حوزه‌ها و روحانیت قرار داد در فرازی دیگر از سخنان خود می‌فرماید: «آنچه که لازم است عرض بکنم که از همه‌ی این مطالب مهمتر است نسبت حوزه‌های علمیه است با انقلاب و نظام اسلامی. هیچ‌کس در عالم روحانیت، اگر انصاف و خرد را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد. نظام اسلامی یک امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده. کی چنین چیزی در اختیار شما بود؟ امروز یک طلبه‌ی فاضل در تلویزیون می‌نشیند نیم ساعت حرف می‌زند، ده میلیون، بیست میلیون مستمع از روی شوق به حرف او گوش می‌دهند. کی چنین چیزی برای من و شما در طول تاریخ روحانیت، از اول اسلام تا حالا، وجود داشته؟ این اجتماعات بزرگ کی وجود داشت؟ این نماز جمعه‌ها کی وجود داشت؟ این همه جوان

مشتاق و تشنه‌ی معارف کی وجود داشت؟ ... این فرصت تا امروز کی برای روحانیت وجود داشت؟» (بیانات در جمع روحانیون شیعه و سنی خراسان شمالی، ۹۱/۷/۱۹).

از این رو انتظار خود را این‌گونه به حوزه‌ها اعلام می‌کنند: «حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویسهای امنیتی انگلیس، آمریکا، اسرائیل و دیگران دنبال می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند ... برای اینکه فاصله‌ی بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ القاء کنند که چنین فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است» (همان). ایشان در تبیین رابطه نظام و روحانیت می‌فرمایند: «نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است ... حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح ...»

نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است ... لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست ...

حقیقت این است که این دو جریان عظیم یعنی جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه‌های علمیه دو جریانی هستند که به هم مرتبطند، به هم متصلند، سرنوشت آنها یکی است؛ این را همه بدانند. امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده‌ی به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه‌ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه‌ی آحاد مردم بیشتر خواهد بود» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

۲) تبیین مفاهیم اسلامی و دفاع از دین اسلام

اولین انتظاری که از حوزه‌های علمیه و روحانیت می‌رود، تبیین و تفسیر دین؛ یعنی، قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است، این مهم پس از انقلاب اسلامی که تشنگان معارف اسلام ناب محمدی (ص) از اقصی نقاط جهان مطالبه درک و فهم صحیح آن را می‌کنند، صد چندان شده است، از این رو رهبر معظم انقلاب مطالبه خود از حوزه و روحانیت آگاه و دلسوز به عنوان سربازان نظام اینگونه مطرح می‌کنند: «روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد ... هدفش حفظ دین است»

... دائم بایستی صادرات قم همان‌طور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام، پمپاژ بشود ... حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

معظم‌له تشریح ابعاد نیازها می‌فرماید: «در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه‌ی این‌ها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان کمک کرده‌ایم به حذف دین از صحنه‌ی زندگی بشر؛ به دست خودمان کمک کرده‌ایم به انزوای روحانیت ...» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

۳) مواجهه با شبهات و مبارزه با خرافات

الف) مواجهه با شبهات: امروزه دین اسلام با جریانهای مختلفی مواجه است چه کسی باید به این جریانها پاسخ دهد؟! جریان فراماسونری، شیطان‌پرستی، موسیقیهای مبتذل، ابتذال فرهنگی که در عرصه موسیقی و سینما و رمان خودنمایی می‌کند، جریانهایی مانند عرفانهای کاذب، فمینیسم، وهابیت، بهائیت و ... از طریق رسانه‌های مختلف و مطبوعات و سایتهای اینترنتی، ماهواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و مانند اینها تا نشر کتاب، روزنامه و سخنرانی و امثال ذلک و از انحاء مختلف دارند علیه اسلام و تشیع مشغول فعالیت هستند. این وظیفه حوزه است که بتواند به این‌ها پاسخ دهد.

مقام معظم رهبری بارها در دیدارهای مختلف با روحانیون، انگیزه دشمنان در رابطه با طرح شبهات از بین بردن پشتوانه‌های انسانی نظام دانسته و می‌فرماید: «امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود بخصوص در میان جوانان هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهنها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه‌ی با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از

ذهنیت جامعه که به وسیله‌ی علمای دین انجام می‌گیرد این هم یک پشتیبانی دیگر، یک پشتوانه‌ی دیگر برای نظام اسلامی است» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).
معظم‌له از علمای دین به‌عنوان مرزداران عقیده می‌خواهند که به این شبهات پاسخ گویند
«شبهه‌هایی که در ذهن جوان شما، دانشجوی شما، حتی دانش‌آموز شما التاء می‌کنند، شبهه‌هایی از جنس روز است. در مقابل این کی می‌خواهد بایستد؟ غیر از علمای دین، غیر از مرزداران عقیده، چه کسی باید در مقابل این تیرهای مسموم و زهرآگین بایستد و قرار بگیرد؟» (بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۳).

مقام معظم رهبری پاسخگویی به شبهات را یکی از مهمترین چالشهای پیش‌روی حوزه‌ها دانسته و می‌فرماید: «امروز روحانیت ما با دو گونه چالش مواجه است ... یکی رفع شبهات است. شبهات همیشه بوده، اما نوع شبهات متفاوت بوده است ... شما امروز با این چالش مواجه‌اید ... امروز نشر افکار باطل نه فقط به وسیله‌ی ابزارهای ارتباط جمعی فراوان مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت و انواع و اقسام روشهای الکترونیکی انجام می‌گیرد، بلکه از شیوه‌های هنری هم استفاده می‌شود. امروز در دنیا پول خرج می‌کنند و فیلمهای گران قیمت می‌سازند، برای این که غیرمستقیم فکری را وارد ذهنها کنند یا فکری را از ذهنها بیرون بیاورند. یکی از مهمترین نقاط آماج این کارها، افکار دینی و بخصوص افکار اسلامی است. البته بعد از پرا شدن جمهوری اسلامی، بخصوص افکار شیعه هم آماج همین چیزها قرار گرفته است ...» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۵).

ایشان ورود شبهه به ذهن جوان را یک امر طبیعی دانسته و از فضلا می‌خواهند همانند شهید مطهری خود را آماده مقابله کنند: «شما اگر در میان جوانان بروید، می‌بینید جوان خوب ما هم گاهی در ذهنش شبهه وجود دارد. ایرادی هم ندارد؛ شبهه به ذهن همه می‌آید؛ نباید به جوان ایراد گرفت که تو چرا شبهه داری. وقتی ذهن فعال و کارگر شد، شبهه به ذهن می‌آید. بر عهده‌ی ما طلبه‌هاست که این شبهه‌ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم. چالش عمده‌ی امروز شما این است؛ چه کار می‌خواهید بکنید؟ خطاب من، هم به بزرگان حوزه‌هاست، هم به طلاب و فضایی جوان حوزه‌ها: چه کار می‌خواهید بکنید؟ ... کاری که شهید مطهری کرد، امروز باید همه‌ی فضایی جوان در صدد باشند خود را برای آن آماده کنند؛ و اگر آماده هستند، اقدام کنند. شهید مطهری به عرصه‌ی ذهنیت جامعه نگاه کرد و عمده‌ترین سؤالات

ذهنیت جامعه‌ی جوان و تحصیل‌کرده و روشنفکر کشور را بیرون کشید و آنها را با تفکر اسلامی و فلسفه‌ی اسلامی و منطق قرآنی منطبق کرد و پاسخ آنها را در سطوح مختلف در مقابل افراد گذاشت؛ ...» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۵).

ب) مبارزه با خرافات: از جمله مسایل مانند شبهات مسئله نشر خرافات است که معمولاً با استفاده از سادگی و جهل عده‌ای از مردم توسط برخی شیادان صورت می‌گیرد مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «از مسئله دیگر، مبارزه‌ی با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما می‌کنند. مبارزه‌ی با خرافات را باید جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده ... در مبارزه‌ی با خرافات شجاع باشید. البته خرافه چیست؟ خود این مهم است. بعضی‌ها هستند که حقایق دینی را هم به عنوان خرافه انکار می‌کنند. ما کاری با آنها نداریم. آنچه که با کتاب و سنت متقن و معتبر ثابت شده، از دین است؛ چه حالا عقول بیسندند یا نپسندند. از این حمایت و دفاع کنید. آنچه که با دلیل معتبر ثابت نشده است و با مبانی و اصول دینی معارضه ندارد، درباره‌ی آن ساکت بمانید. آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می‌شود خرافه، و معیار خرافه این است.

امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکل‌های مختلف در جامعه دارند کار می‌کنند. البته این همه نشانه‌ی این است که گرایش به دین، یک عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دینی علاقه دارند که آدم خرافه ساز می‌رود خرافه درست می‌کند؛ چون آن کالای اصلی در اختیارش نیست، کالای تقلبی را به میدان می‌آورد تا اینکه مردم را جذب کند. این نشانه‌ی گرایش مردم به دین است. اما خوب، این خطرناک است. در مقابله‌ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه‌ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید؛ که غالباً در مواردی انسان متأسفانه می‌بیند که این مراعاتها هست ...» (بیانات در جمع روحانیون استان سمنان، ۸۵/۸/۱۷).

۴) توجه به اخلاق و تهذیب نفس در حوزه‌ها

جایگاه روحانیت در جامعه، جایگاه انبیاست؛ به این معنی که وظیفه اصلی روحانیت هدایت جامعه به سمت حقایق و صراط مستقیم است. این مهم، اقتضائاتی را می‌طلبد که به صورت کامل در انبیا وجود

داشت و در روحانیت باید در حدی که مردم از آنان بعنوان اسوه و الگوهای دینی و اخلاقی انتظار دارند، ظهور داشته باشد. روحانیت هنگامی می‌تواند به مسؤلیت و رسالت خود عمل کند که اسوه بودن را برای خودش حفظ کند و در پیشبرد جنبه‌های معنوی و اخلاقی آنان تلاش نماید.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسئله‌ی تهذیب نیازمند است جوان ما در حوزه‌ی علمیه جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر نیازمند تهذیب است. ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه‌ی طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار اینها، شناخت زندگی اینها، حرفهای اینها، خودش یکی از شفافبخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنائی بدهد، دلها را نورانی کن ... عمده این است که این دل زنگار گرفته را یک زبان معنوی، یک سخن برخاسته‌ی از دل شفا ببخشد و این زنگار را برطرف کند». (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

ایشان تأکید دارند: «روحانیت در کنار کسب علم باید همواره مقید به تدبیر، تهذیب اخلاقی، فرائض و نوافل و تلاوت قرآن باشد ...

وظیفه‌ی شما خیلی زیاد است. از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ تهذیب، هم از لحاظ تدبیر، هم از لحاظ پایبندی و تقید به فرائض و نوافل و تلاوت قرآن» (بیانات در جمع روحانیون شیعه و سنی خراسان شمالی، ۹۱/۷/۱۹).

۵) تقویت علمی و حضور در صحنه‌های فلسفی، فقهی و کلامی دنیا

از آنجایی که حوزه‌های علمیه و روحانیت اولاً و بالذات رسالت تعلیم و روشنگری دینی دارند باید دارای مبانی فکری، فلسفی و فقهی قوی باشند، و در همه صحنه‌ها حضوری تأثیر گذار و منحصر به فرد داشته باشند، این مهم در وضعیت فعلی دنیا در حوزه‌های فلسفی و کلامی بیشتر از سایر حوزه احساس می‌شود، لذا مقام معظم رهبری در موارد متعدد این موضوع را گوشزد نموده و می‌فرمایند: «امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا غائب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟ نه باید غائب باشد، نه باید منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نو لازم است، پاسخ به نیازهای نوبه‌نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می‌شود؛ باید شما

برایش جواب فراهم کنید. جواب شما باید ناظر باشد به این نیاز، و نیز ناظر باشد به پاسخهایی که مکاتب و فرقه‌های گوناگون می‌دهند...» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹). ایشان در فراز دیگر با توجه به اهمیت فلسفه می‌فرمایند: «اهمیت فقه و عظمت فقه نباید ما را غافل کند از اهمیت درس فلسفه و رشته‌ی فلسفه و علم فلسفه؛ هر کدام از اینها مسئولیتی دارند. رشته‌ی فقه مسئولیاتی دارد، فلسفه هم مسئولیتهای بزرگی بر دوش دارد. پرچم فلسفه‌ی اسلامی دست حوزه‌های علمیه بوده است و باید باشد و بماند. اگر شما این پرچم را زمین بگذارید، دیگرانی که احیاناً صلاحیت لازم را ندارند، این پرچم را برمی‌دارند؛ تدریس فلسفه و دانش فلسفه می‌افتد دست کسانی که شاید صلاحیتهای لازم را برایش نداشته باشند. امروز اگر نظام و جامعه‌ی ما از فلسفه محروم بماند، در مقابل این شبهات گوناگون، این فلسفه‌های وارداتی مختلف، لخت و بی‌دفاع خواهد ماند. آن چیزی که میتواند جواب شماها را بدهد، غالباً فقه نیست؛ علوم عقلی است؛ فلسفه و کلام. اینها لازم است. در حوزه، اینها رشته‌های مهمی است» (همان).

مقام معظم رهبری در همین راستا مطالعه کتب شهید مطهری را به همه طلاب توصیه نموده و می‌فرمایند:

«من لازم می‌دانم و بارها هم این نکته را گفته‌ام که همه‌ی طلاب و همه‌ی اهل منبر، یک دور آثار آقای مطهری را بخوانند... یکی از کارهای لازم در حوزه‌ها مطالعه‌ی آثار ایشان است. جوانان عزیز ما باید با آثار شهید مطهری آشنا شوند.

اگر بنده می‌خواستم برنامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را بنویسم، بلاشک یکی از مواد برنامه را این می‌گذاشتم که کتابهای آقای مطهری خوانده شود، خلاصه‌نویسی شود و امتحان داده شود. البته در این آثار هم نباید متوقف شد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱/۰۴/۱۳۸۳).

۶) ایجاد تحول همه جانبه در حوزه‌ها

از مهمترین بایسته‌های حوزه که از آغاز انقلاب از مطالبات امام(ره) و مقام معظم رهبری بوده است. ایجاد تحول همه جانبه در حوزه در راستای تقویت ابعاد علمی، اخلاقی و مدیریتی حوزه‌های علمیه است. مقام معظم رهبری در سال ۸۶ و ۸۹ در جمع طلاب و روحانیون به تفصیل در این باره سخن گفتند.

مهمترین محورهای تحول در حوزه و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری عبارتند از:

الف) تبیین مفهوم تحول و ضرورت مدیریت آن

«تحول اجتناب ناپذیر است. تحول، طبیعت و سنت آفرینش الهی است؛ این را بارها من مطرح کرده‌ام، گفته‌ام. تحول رخ خواهد داد. خوب، ... اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد؛ ... تحول حتمی است، منتها تحول دو طرف دارد: تحول در جهت صحیح و درست، تحول در جهت باطل و غلط. ما باید مدیریت کنیم که این تحول در جهت درست انجام بگیرد. این وظیفه‌ی مؤثرین در حوزه است. مدیران حوزه، فضایی حوزه، صاحب‌نظران حوزه باید همتشان این باشد. از تحول نباید گریخت ...» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۱۳۸۶/۰۹/۰۸).

«بزرگان حوزه، مراجع تقلید، اندیشمندان، دانشمندان و فضلا باید دامنها را به کمر بزنند، همت کنند، این تحول را برنامه‌ریزی کنند، هدایت کنند، مدیریت کنند. بنابراین معنای اساسی تحول این است: حرکت نوبه‌نوی محتوایی» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۹۰/۰۷/۲۹).

ب) تحول در کیفیت تدریس، تدرّس و کتابهای درسی

«یکی از کارهای دیگر ما که مهم است، کسب مهارت‌های دینی است. ما باید در رشته و حرفه‌ی خودمان مهارت پیدا کنیم ... باید با سواد شد و درس خواند. البته

من اعتقادم بر این است که این درس خواندن، باید یک تحول عمیق و وسیع و

همه‌جانبه‌ای در کیفیت تدریس و تدرّس ما در سطح حوزه‌های کشور به وجود آورد، ...

ما نقصها و کمبودهای زیادی داریم که باید نظام درسی ما، آن کمبودها را جبران کند؛

نباید هم بگذاریم دیر بشود؛ اما به هر حال درس خواندن، با سواد شدن، با کتاب و سنت آشنا شدن، با مبانی معرفت دینی آشنا شدن؛ چه فقه، چه فلسفه، را باید یاد گرفت. باید انسان بتواند در میدان چالشهای فکری امروز دنیا سینه سپر کند. امروز دنیا، دنیای تعارض فلسفه‌ها و فکرهاست» (بیانات در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷).

«مسئله‌ی کتابهای درسی را که آقایان مطرح کردند، کاملاً درست است ... تغییر کتاب درسی لازم

است، حتماً هم باید تغییر پیدا کند؛ در این هیچ شکی نیست ... بایستی کاری کرد که هم طلبه، فهمیدن

مطلب باشد، نه فهمیدن عبارت ... این عقیده‌ی من است. حالا ممکن است مسئولین حوزه و مدیران حوزه

و بعضی از برجستگان حوزه نپسندند و این کار نشود، اما یک روزی بدون تردید خواهد شد».

«بنده بعضی از نوشته‌جات حوزه را که ملاحظه می‌کنم، از این جهت ما یک خرده‌ای کمبود داریم،

نقص داریم. یک نوشته‌ی متین قرص و محکمی که در همه‌ی مجامع علمی اسلامی وقتی که رفت چون به زبان عربی است. زبان علمی ما زبان عربی است و همه می‌توانند استفاده کنند به عنوان یک اثر برجسته و ممتاز شناخته شود، ایراد لفظی و متنی و قلمی نداشته باشد. بنابراین تحول ناگزیر است. حالا این یکی دو مورد از موارد تحول بود؛ موارد زیادی هست؛ بسیاری از آنها را هم شما دوستان در بیاناتتان گفتید که مورد تأیید من هم هست. باید این تحول مدیریت بشود. این هم یک نکته است» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، ۰۸/۰۹/۱۳۸۶).

«اساس کار طلبگی، فکر کردن و دقت کردن و مطالعه کردن است، نه حفظ کردن. حفظ محوری، همان چیزی است که امروز بالای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدتهاست که داریم با آن مقابله و مبارزه می‌کنیم و هنوز هم روبه‌راه نشده است و باید روبه‌راه شود. در حوزه، اساس سنتی ما بر پایه‌ی فکر کردن است. طلبه درس را که می‌خواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه می‌کند، ذهنش را آماده می‌کند تا از استاد حرف نو بشنود».

ج) تحول در سبک مدیریت

«کلید همه‌ی اقدامهای مثبت سازمان یافته‌ی قابل انتظار نتیجه که آدم بتواند نتیجه را از آنها انتظار ببرد، مدیریت است. ما باید مدیریت را در حوزه تکمیل کنیم...» (بیانات معظم له در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور (۰۸/۰۹/۱۳۸۶))

«آیا این تحول پیچیده‌ی گسترده دامن و همه‌جانبه و ذواضلاع، بدون یک مدیریت منسجم امکانپذیر است؟ این همان چیزی است که ما چندین سال قبل از این در همین حوزه‌ی علمیه با کسانی که بعضی امروز جزو مراجع معظم هستند... مطرح کردیم و پذیرفتند. مدیریت و تدبیر حوزه به وسیله‌ی یک گروه متمرکزی که مورد تأیید مراجع و بزرگان باشند و در مسائل حوزه صاحب‌نظر باشند، یک چیز لازمی است، اجتناب‌ناپذیر است؛ بدون این نمی‌شود. این کار پیچیده‌ی مهم همه‌جانبه، بدون یک مدیریت قوی امکان‌پذیر نیست» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۸۹/۷/۲۹).

د) تحول در نظام رفتاری اخلاقی حوزه‌ها

«مسئله‌ی بعدی، مسئله‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌هاست؛ که همین تحول اگر تحولی انجام می‌گیرد باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من اینجا

یادداشت کرده‌ام: تکریم اساتید. نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه‌ها باید در این جهت حرکت کند؛ تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، بخصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی‌رسد؛ صلاحیتهای زیادی لازم است. غالباً مراجع قله‌های علمی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند.

بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند ... احترام به استاد هم یک مسئله است. یکی از سنتهای رائج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می‌نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظایفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ همچنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد.

اینکه استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. اینها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه‌ی استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده‌ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ اینها سنتهای خوب حوزه‌ی ماست ...» (بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

هـ) تحول در تشکیلات و سازماندهی حوزه‌ها

«در زمینه‌ی تشکیلات حوزه و سازماندهی حوزه و در کنار شورای عالی، مسئله‌ی نهاد مدیریت حوزه است، که بسیار مهم است. حتماً باید یک شورای برنامه‌ریزی برای حوزه وجود داشته باشد ... امروز برنامه‌ریزی، یک کار علمی است؛ ... از کسانی که تخصص این کار را دارند، استفاده بشود؛ در همان بدنه‌ی کارشناسی حضور پیدا کنند، برنامه‌ریزی کنند».

«یکی از کارهایی که در سازماندهی حوزه لازم است، آمارگیری است، ما از حوزه آمار درستی نداریم. به طریق اولی، آن وقت از مجموعه‌ی روحانیت در کشور آمار درستی نداریم. تعداد روحانیون در کشور، حدود تحصیلی اینها، میزان فضل اینها، تواناییهای تبلیغی اینها، تأثیرگذاری اینها در محیطشان؛ اینها چیزهایی است که اصلاً در آمارهای ما، در اطلاعات ما منعکس نیست؛ ما آمارگیری نداریم. آمارگیری هم یک دانش است. یکی از کارهایی که باید حتماً انجام بگیرد، سریع هم باید شروع بشود و چند سال هم طول خواهد کشید، اما برکاتش خیلی زیاد خواهد بود ... البته آن وقت دنبال آمارگیری، نظام ارزشیابی پیش می‌آید؛ این هم یکی از چیزهایی است که در مسئله‌ی سازماندهی عرض می‌کنیم ...». ادامه دارد.